

اهدا کننده کمک از آن برای اعطای پاداش به دوستان و جلب بی طرفها، اعمال نفوذ بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشور گیرنده، تحکیم و تقویت متحدین مورد تهدید و برای گشودن بازارهای خارجی جهت افزایش وجهه کشور اهداکننده کمک در داخل و خارج بهره‌برداری می‌کنند.» (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۲۸۲).

البته باید اذعان کرد که ارائه کمک، هم‌زمان متأثر از نیازهای کشور دریافت کننده و انگیزه‌های کشور ارائه کننده است. بدین منظور، صاحب‌نظران در سال‌های اخیر الگوی تئوریک مطالعات قبلی را هدف نقد قرار داده و این رویکرد دو سویه را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال باید توجه داشت که «رابطه بین کمک‌دهنده و کمک‌گیرنده هرگز رابطه‌ای برابر نیست» (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۲۵۶). و واقعیت این است که میان نیازهای کشور دریافت کننده و انگیزه‌های ارائه کننده کمک لزوماً تعادلی وجود ندارد (Harrigan & Wang, 2011). این تحقیق نیز عمدتاً از منظر انگیزه کشور ارائه کننده کمک‌های خارجی، به این پدیده مهم در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل توجه نشان داده و به همین منظور، تفاوت میان الگوهای کمک خارجی ایالات متحده و چین و بروز رقابت میان آنها را تحلیل کرده است.

۲. روند پژوهشی کمک‌های خارجی آمریکا و چین

در دهه گذشته، کمک‌های خارجی ایالات متحده در سطح نسبتاً ثابت ۳۲ میلیارد دلار به حدود ۲۰۰ کشور و منطقه ارائه شده است. کمک‌های رسمی توسعه (ODA) ایالات متحده بر سه منطقه تمرکز دارد: آسیا، اروپا و آفریقا. در حالی که بودجه کلی کمک‌های رسمی توسعه آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶ افزایش ۱۷ برابری داشته است، کمک به کشورهای جنوب صحرای آفریقا تقریباً ۳۰۰۰ درصد افزایش یافته؛ یعنی از ۲۱۱ میلیون دلار به ۵,۶ میلیارد دلار رشد کرده است (Wang, 2016).

در سال مالی ۲۰۱۶، کمک خارجی ایالات متحده، در تعریف گسترده آن، در سطح ۴۹,۴۷ میلیارد دلار و معادل ۱,۲ درصد کل بودجه فدرال بوده است.